

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از: و. آئیژ

## افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی

### از تحمیل تروریسم تا صدور دموکراسی

#### باز سازی ویرنگرانه

به ادامه گذشته:

در صفحات قبل دیدیم و با آمار نشان دادیم که کشورهای امپریالیستی و مؤسسات بین المللی دست داشته شان مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و غیره چگونه زیر نام کمک به کشورهای "جهان سومی" نفوذ میکنند و بعد با سرمایه گذاری در ساحات مطلوب خود شان به غارت منابع آن کشورها دست زده و آنها را در بردگی اقتصادی خود میکشند. مقاومت و مخالفت با چنین کرداری را هم با جنگ و سرکوب خونین و اشغال نظامی پاسخ میدهند. اینجاست که "کسانی که میگویند امپریالیسم کنونی مستلزم اشغال نظامی سرزمین های دیگر نیست نه تنها خطراتی را که با آن مواجهیم دست کم میگیرند، بل که با نادیده گرفتن تاریخ تحولات معاصر و گرایشات آن، سطحی ترین و گمراه کننده ترین ظواهر را به عنوان ویژگی های تعیین کننده و بنیانی امپریالیسم میپذیرند. در حالیکه اولاً ایالات متحده اقلاً ۶۹ کشور را از طریق استقرار پایگاه های نظامی خود در آن جا، اشغال کرده است؛ شماری را که با گسترش ناتو هر روز افزایش می یابد. این پایگاهها خلاف توجیه چندش آورایدنولوژیك آن - نه برای حفظ منافع مردم آن کشورها، بلکه در جهت حفظ منافع قدرت اشغالگر بر پا شده اند، تا این قدرت بتواند سیاستهای خود را آنچنانکه میخواهد به کشور اشغال شده دیکته کند." ( ۴۱ )

حال به بینیم در افغانستان "یاریگران" جهانی به رهبری امریکا چه میکنند؟ مردم افغانستان به چه نیاز دارند و سرمایه گذاران خارجی در چه عرصه هائی سرمایه گذاری میکنند؟

در افغانستان به علاوه حضور به قول مردم ۳۰ کشور خارجی، ۳۵ نهاد و مؤسسه بین المللی مصروف فعالیت

هستند. مخفف انگلیسی نام این مؤسسات و نهادها قرار ذیل است :

AsDB , CP , ECO FAO ,G-77 ;GUAAM ; IAEA ; IBRD ; ICAO ICCT ICRM ; IDA ; IBD ;

IFAD ; IFC ; IFRCS ; ILO ; IMF ; Interpol , IOC ;10 M ( observer ) ;ITU ;

NAM ; OIC ; OPCW ; OSCE ; UN ; UNCTAD ; UNESCO UNIDO ; UPU

; WFTU ; WHO ; WMO ; WtoO \_

برخی از این مؤسسات زیر نام مؤسسات خیریه و برخی به نام سرمایه گذاری و بازسازی در افغانستان کار میکنند. در افغانستان هنوز آمارگیری دقیق از نفوس آن صورت نگرفته ولی جمعیت موجود در کشور را ۲۰ تا ۲۳ میلیون نفر تخمین میزنند، طبق آمارگیری سال ۲۰۰۱ م که توسط CIA نیز نشر شد افغانستان ۱۱.۸ میلیون نفر نیروی کار

دارد. از آن جمله ۸۰ درصد آن شاغل در زراعت، ۱۰ درصد در صنعت و ۱۰ درصد در امور خدماتی مشغول هستند. درآمد سالانه هر فرد ۳۱۵ دلار تخمین زده شده که از آن میتوان به عمق فقر کشور پی برد.

وزارت مالی افغانستان بودجه سال ۲۰۰۳ م را اینچنین محاسبه کرده است:

عاید یا درآمد ۲۰۰ میلیون دلار است که عمدتاً از گمرکات و محصول اموال به دست میآید، ولی مصرف ۵۵۰ میلیون دلار است که به این حساب درین سال ۳۵۰ میلیون دلار کسر بودجه عادی دارد. این پول گزاف عمدتاً صرف تجملات بروکراتیک، تشریفات اضافی و رشوه دهی به باند های مسلح میشود که عمدتاً از طریق وزارت دفاع و وزارت داخله که در تصرف جنگسالاران است این پول را باج میگیرند.

تولیدات عمده افغانستان در ساحه ای زراعت و مالداری عبارتند از: تریاک، غله جات، حبوبات، میوه، پنبه، گوشت گوسفند، پوست گوسفند، قره قل و بَعْد (چرم).

در بین این اقلام عمده ترین آن تریاک است. در گزارشی که CIA در سایت انترنیتیش در صفحه افغانستان نشر کرده چنین میخوانیم: "بزرگترین تولید کننده تریاک که از آن هروئین به دست میآید، افغانستان است. در سال ۲۰۰۲ م مساحتی به اندازه ۳۰۷۵۰ هکتار زمین زیر کشت کوکنار میبود که میتوان از آن ۱۲۷۸ تن تریاک به دست آورد. علاوه مقدار زیادی حشیش و مواد مخدر دیگر در تمام کشور یافت میشود که برخی گروههای دولتی نیز از آن سود میبرند. ۸۰ تا ۹۰ درصد هروئینی که در اروپا مصرف میشود از افغانستان صادر میگردد که پول درآمد آن از طریق شبکه های سیاه و غیر مستقیم تبادل میشود."

ما درین رابطه در جای دیگر بیشتر بحث کرده ایم. درینجا به چند نکته این گزارش اشاره میکنیم. بی توجهی به زندگی مردم، در نظر نگرفتن نیاز های اولیه، گسترش فقر و ناتوانی و نبود ساحات کار سالم، مردم را به چنین فلاکتی کشانده است؛ با این حال نقش گروههای قدرت و جنگسالار در ایجاد و گسترش این پلیدی فوق العاده است و سودهای کلان آن به جیب صاحبان قدرت میروند. CIA درین نکته اعتراف میکند که برخی گروههای دولتی از آن سود میبرند. ولی نمیگوید که گروههای دولتی تحت اداره و تسلط CIA عمل میکنند. همچنان CIA مطمئن است که ۸۰ تا ۹۰ درصد هروئین تولید شده در افغانستان در بازار های اروپا مصرف میشود. مطمئناً ۱۰ تا ۲۰ درصد دیگر آن هم به مصارف داخلی و کشور های همجوار میرسد، لذا امریکا از آن زیانمند نمیشود. پول درآمد آنها از طریق شبکه های سیاه و غیر مستقیم تبادل میشود، که میتوان از آن به مقاصد پنهانی بهره گرفت. نتیجه اینکه فقط بد نامی این پلیدی نصیب مردم افغانستان است. که حاکمیت مزدور امریکائی در افغانستان هرگز خود را مسوول جلوگیری از آن نمیداند، به ویژه که بخش های مهم این حاکمیت و اربابان شان ازین معامله ننگین سودهای گزافی میبرند.

تولیدات صنعتی و معدنی افغانستان عبارتند از: فرآورده های کوچک نساجی، صابون، فرنیچر، کفش، کود کیمیایی، سمنت و ذغال سنگ که به مقدار کمی تولید میشود و تکافوی مصارف داخلی را هم نمیکند. علاوه قالیین دست باف، گاز طبیعی، اجار قیمتی که عمدتاً به خارج صادر میشوند، نیز از تولیدات مهم به شمار میروند.

افغانستان در سال ۲۰۰۱ در حدود ۳۳۴.۸ میلیون کیلووات تولید برق داشته در حالیکه در همین سال مصرف برق آن به ۵۱۱.۴ کیلووات رسیده است که ۲۰۰ میلیون کیلووات برق از خارج وارد کرده است. در سالهای بعدی مصرف برق ازین هم بالاتر رفته است و ایران و ترکمنستان با ایجاد شبکه های انتقال برق به مقدار زیادی برق به افغانستان صادر میکنند. در پهلوی مصرف برق در سال ۲۰۰۱ روزانه ۳۵۰۰ بیبریل تیل یا نفت مصرف کشور تخمین شده است که عمدتاً از ایران و ترکمنستان وارد کرده اند.

طبق بر آورد منتشر شده در اول جنوری سال ۲۰۰۲ م افغانستان ۴۹.۹۸ میلیارد متر مکعب ذخیره گاز طبیعی دارد که مقدار کمی از آن به مصرف داخلی میرسد و مقدار زیاد آنرا سالها ست که دو ستم جنگسالار چون میراث پدریش به خارج میفروشد و پول آنرا صرف برده سازی مردم محل و اندوختن سرمایه های گزاف خود و همپالگانش میکند.

افغانستان در سال ۲۰۰۲ در حدود ۹۸ میلیون دلار صادرات داشته که عمدتاً از صدور قالیین، پشم، پنبه، چرم، جواهرات قیمتی و نیمه قیمتی به دست آمده است. در گزارشات رسمی ذکر نشده است که تریاک هم ضمیمه اقلام صادراتی محاسبه شده یا خیر؟ چون به قول CIA پول آن غیر رسمی تبادل میشود و به جیب منابع معلوم الحال میروند. از مجموع این کالاهای صادراتی - بدون تریاک - ۲۶.۱ درصد آن به امریکا (مطمئناً آنچه امریکائی ها خودشان به غنیمت برده اند شامل این محاسبات نیست)، ۱۷ درصد به فرانسه، ۱۷ درصد به پاکستان و ۱۶.۱ درصد به هند صادر شده است.

و اما واردات کالا به افغانستان تا آنجا که از طریق گمرکات داخل شده در سال ۲۰۰۲ به ۱.۰۰۷ میلیارد دلار سر میزند که یازده برابر صادرات آن است. به همین مقدار و شاید هم بیشتر از آن از طریق غیر قانونی وقاچاق - به ویژه از کشورهای همسایه کالا به کشور وارد شده است. کالاهای وارد شده به افغانستان عمدتاً کالاهای سرمایه نی، که زمینه را برای سرمایه گذاری امپریالیسم و کمپرادور بیسم مساعد بسازد، مثل وسایل ساختن و اکمال مواصلات و مخابرات، فرنیچر و مواد اداری، موتر های لوکس، کمپیوتر و کالاهای زمینه ساز دیگر که به درد مردم ما در شرایط موجود نمیرسد، غذا - عمدتاً گندم امریکائی و . . . ، منسوجات، نفت و تولیدات آن و مواد تزئینی و ساختمانی را شامل میشود.

کشورهای که مواد فوق را به افغانستان وارد کرده اند طبق آمار رسمی ۲۰۰۳ عبارتند از: پاکستان ۲۶.۸ درصد، کوریای جنوبی ۱۲.۳ درصد، جاپان ۸.۲ درصد، آلمان ۷.۴ درصد، ترکمنستان ۵.۸ درصد، کینیا ۴.۹ درصد، امریکا ۴.۸ درصد. یقیناً واردکردن اسلحه و تجهیزات نظامی شامل این ارقام نمیشود و الا رقم پولی آن سرسام آور است که در آن مورد امریکا حرف اول را میزند. همچنان از ایران و چین در گزارش ذکر می‌شود که عمل نیامده در حالیکه بازارهای کشورهای سرشار از کالاهای ایرانی و چینی است.

افغانستان به زعم روسها فقط ۸ میلیارد دلار از روسیه قرضدار است!!!

در کنفرانس توکیو در جاپان نیز در جنوری ۲۰۰۲ م که به شرکت ۶۰ کشور دایر شده بود، فیصله شد که ۱.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ و ۱.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ و ۴.۵ میلیارد دلار نیز تا سال ۲۰۰۶ به افغانستان قرضه پرداخت شود.

به این ترتیب کشور ما افغانستان تاکنون ۱۶ میلیارد دلار قرضدار است. اگر امریکائیها و متحدینشان هم مثل روسها پول مصارف لشکر کشی و بمباردانی را که به افغانستان نموده اند، از ما بگیرند (!؟) درینصورت نوک گراف قرض ما به آسمان خواهد رسید. کشوری که صاحب نداشت و سیاستمداران آنهم یا بادشمن متجاوز همراه و یاتوجیه گرتجاوز شوند و تجاوز را کمک بخوانند، بعید نیست به جای اینکه خواهان غرامت از متجاوز شود، مصرف تجاوز را نیز بپردازد.

با همین محاسبات موجود هم هر فرد بالغ مستعد به کار درین کشور، اعم از کارگر و دهقان و خرده مالک بدون اینکه بداند و یا نفعی برایش رسیده باشد ۱۳۵۶ دالر هم اکنون قرضدار است. یعنی نه تنها هیچ چیزی از خود ندارد و برایش نمیرسد که چنین مبلغ گزافی بدهکار هم است. حال به بینیم این همه پولی که به حساب ما نوشته شده در چه عرصه هائی به مصرف رسیده و سود آن به کدام لایه ها و طبقات اجتماعی رسیده و قرض دهندگان در مصرف آن چه پلانه و منافعی دارند.

عمده ترین سرمایه گذاری و مصرفی که شده و از آن به طمطراق نیز یاد میکنند، ترمیم سرک کابل - قندهار و کابل - مزار شریف است. در قدم های بعدی بپذیریم که سرک قندهار - هرات و کابل - جلال آباد نیز ترمیم میشود. پلان امریکا و متحدینش همین است که از افغانستان یک راه ترانزیت عبور کالا به آسیای مرکزی و بالعکس تابندرکراچی بسازند. ولذا ساختن این سرکها شرط اول و هدف اول تطبیق این پلان است که از زمان جهادی ها و طالبان روی آن کار میکنند، درست دهسال قبل این پلان را داشتند. "در اکتوبر ۱۹۹۴، یکماه قبل از آنکه طالبان قندهار را بگیرند، وزیر داخله دولت بوتو، نصیراله بابر، شش سفیر کشورهای غربی رابه قندهار و هرات برد. این هیأت شامل مقامات ارشد راه آهن، بزرگراهها و تلفن و برق بود. بابر گفت که وی میخواست ۳۰۰ میلیون دلار از آژانسهای بین المللی برای بازسازی بزرگراه کوئته به هرات و ۸۰۰ میلیون دیگر برای یک راه آهن و سیستم تلفن ماهواره ئی که ۱۰۰ شهر را به هم مرتبط سازد، بگیرد. اسماعیل خان به هیأت اطمینان داد که میتواند کار را به محض برقراری صلح و امنیت شروع کنند." (۴۲). اینک شرایط تطبیق آنرا مساعد ساخته اند و آنرا در عمل پیاده میکنند. این هیچ ربطی به منافع مردم ما و به بازسازی افغانستان ندارد. ما هم فقط از قبل چنین پلانی شناس استفاده از آن سرکها را میبایم.

دومین دست آوردی که در آمار و ارقام همیشه یاد میشود، برقرار ساختن سیستم تلفن است که شامل تلفن های دستی نیز میگردد. آنچنانکه هم اکنون خواندید اینهم پلان دهسال قبل است که حال پیاده میشود. به هرحال تا سال ۲۰۰۲ م در حدود ۳۳۱۰۰ خط تلفن توزیع شده بود که حال مطمئناً این رقم به چندین برابر افزایش یافته است. در پهلوئی آن به هزاران دستگاه تلفن دستی نیز به کار افتاده است. در راه اندازی این تلفن ها از شبکه های

Sputnik ( Atlantic Ocean و earth station - 1 Intalsat مستقر در بحر هند و Commercial Telephone Center 1 Inter region بهره گیری میشود و یکی از مراکز تلفن هم به نام Roshan و افغانستان بیسیم به حیث نماینده های کنسرن های بین المللی وظیفه فروش و توزیع تلفن های دستی را در افغانستان به عهده دارند.

حال به بینیم در کشوری که طبق آمار منتشر شده از جانب CIA یعنی استخبارات مرکزی امریکا در آنترنیت، ۸۰ فیصد مردم آن که میتوانند کار کنند در روستا ها و در ساحه زراعت مشغول کار هستند، در کشوری که به ویرانه کامل بدل گردیده و مردم نان و سرپناه ندارند ضرورت اولیه آن چیست ؟

من قبل از اینکه درین مورد از خود چیزی بگویم، قسمتی از یک مصاحبه رادیوی بی بی سی با آقای دکتر رمضان بشر دوست وزیر پلان حکومت انتقالی کرزی را که از فرانسه آمده و با سیاستهای امریکا روی خوش نشان نمیده، باز گو میکنم :

آقای وزیر پلان در جواب سوال خبر نگار که پرسید شما چرا از عملکرد مؤسسات خارجی و NGO ها انتقاد میکنید گفت : "هم اکنون در اطراف و اکناف افغانستان نسبت خشکسالی و نداشتن آب و وسایل کشت و کار، مردم از گرسنگی قریه های شانرا ترک میکنند. چون نان خوردن برای قوت لایموت ندارند. آنها سرک، تلفن دستی و یا کورس کمپیوتر و لسان انگلیسی را چه میکنند؟ وقتی آنها از گرسنگی به ترک منطقه مجبور میشوند، ایجاد کلینیک و مکتب بیهوده است. برای مردم باید اول نان تهیه شود." آقای بشر دوست علاوه کرد "مقدار زیاد آب از رودخانه های افغانستان به کشور های همجوار میرود، اگر ما دلسوزانه چند تا بند آب بسازیم و زمین ها را زیر کشت قرار بدیم

افغانستان مارکیت غله ومیوه آسیا میشود و . . . ” خیر نگار گفت شما چرا این پلانها را به دولت نمیدید؟ وزیر پلان گفت : “کسی به حرف ما نمیکند، پولی که به نام کمک به مردم افغانستان گرفته میشود صرف زندگی های لوکس وموتورهای آخرین مدل میشود و یا به شکل معاش گزاف پس به خارجی ها داده میشود. مردم همچنان درگرسنگی وفقر میمانند و باز مجبور به مهاجرتهایی در داخل و خارج میشوند، آن وقت دیگر نه سرک به درد شان میخورد، نه تلفن ونه . . . .”

آری چنین است برادر! واما آنچه نباید فراموش کرد اینست که کشورها ومؤسسات قرض دهنده هرگز برای نجات مردم افغانستان ازگرسنگی وفقر برنامه ای در دست نداشته و ندارند، پروژه هائیکه آنها در آن سرمایه گذاری ومصرف میکنند همه وهمه درجهت برآوردن اهداف وتأمین منافع سودجویانه خودشان است.

مواصلات ومخابرات، یعنی سرک وتلفن را سوقيات نظامی وتجارت جهانی نیاز دارند. استعمار کهنه ونو درکلیه مستعمرات شان به این دو فاکتور توجه و رسیدگی کرده اند. انگلیسها درهند خط آهن را برای سهولت مردم هند احداث نکردند. آنها آنچنانکه ثابت شد برای سوقيات نظامی سریع جهت سرکوب مردم هند وانتقال کالای تجارتي به بازارها و بنادر، آنرا ضرورت داشتند. به وسیله خط آهن و یا کلا خطوط مواصلاتی مواد خام ونیمه خام کشورمستعمره را به سرعت به بنادر منتقل میکنند و کالای تجارتي خودرا در آن کشور پخش میکنند. به وسیله تلفن وكلاً خطوط مخابراتی، برای خود اطلاعات جاسوسی سیاسی - اقتصادی جمع میکنند وفرمانهای خودرا به سرعت همه جا میرسانند. انگلیسها در هند چنین کردند، استعمارگران دیگر نیز در مستعمرات شان چنین کردند، امریکائی ها نیز در افغانستان چنین میکنند.

بنابر تجربه وچشم دید خود مان روسها قبل از ورود نظامی شان به افغانستان، ملیونها دلار صرف احداث سرک تورغندی - هرات وحیرتان - کابل کردند. همه شاهدیم که تانک ها وسایل نظامی شان ازاین دوشاهراه به سرعت به کابل رسیدند وهمه جا پهن ومستقر شدند. از طریق همین شاهراهها بود که هرچه داشتیم وقابل انتقال بود، اعم از مواد معدنی وزراعتی وآثار فرهنگی و اشیای ارزشمند دیگر را به شوروی انتقال دادند.

حال هم امریکائیها ومتحدینشان جهت سوقيات نظامی وسود سرمایه مالی، برای سهولت های خودشان در انتقال سریع کالاهای تجارتي به مراکز فروش، به ترمیم راهها نیازدارند وبه همین دلیل ترمیم سرکها را در دستور روز قرار میدهند. درحالیکه درعراق به ترمیم لوله ها و دستگاه های استخراج وانتقال نفت ضرورت فوری داشتند، لذا از اولین لحظه ای ورود به عراق به ترمیم وساختار وحفظ آن اقدام کردند.

امریکائی ها برای رساندن کالای تجارتي خود و متحدینشان به دلایل بومی افغانستان وفروش این کالا وهمچنان انتقال مواد مورد ضرورت شان مثل زمرد، لاجورد، قالین ابریشمی دستیاب و . . . به اسرع وقت در سرتاسر افغانستان وکشورهای همجوار و بنادر تجارتي، به سرک و راه و میدان هوایی ضرورت دارند. ازینجاست که این کاررا در دستور روز قرار داده وشاهراهها ومیدانهای هوایی را، درقدم اول “بازسازی” میکنند.

امریکائی ها برای گرفتن اطلاعات از گوشه و کنار افغانستان و ارتباط این کشور به تجارت بین المللی به وسایل ارتباطی ومخابراتی نیاز داشتند. برای تأمین این ضرورت شان است که سیستم های پیشرفته تلفنی را درافغانستان فقیر، ویران وعقب نگهداشته شده به کار انداختند، تا هم اطلاعات جاسوسی سیاسی ونظامی را به سرعت دریافت کنند وهم سرمایه اندوزان نرخ روزمره مواد و اشیای مورد ضرورت را به سرعت معلومات بگیرند و بازار تجارت شان رونق یابد. برای تأمین این اهداف پول گزافی را از وجوه “کمکی” افغانستان درین ساحات مصرف کردند. همه میثونیم که امریکائی ها درفلان قریه به فلان گروه مخالف حمله کردند و یا آنرا بمباردمان کردند، کشف فلان گروه درفلان محل معجزه امریکائیها نیست و یا اینکه به وسایل ماهواره ئی از فضا به چنین کشفی دست نیافته اند. کسی از همان محل به ازای مقدار ناچیزی پول واستفاده از تلفن دستی که در دسترسش قرار داده اند، از آن محل را پور داده است و امریکائی ها آنرا بمباردمان کرده اند. به همین دلیل است که گاهی میثونیم، فلان محل در نتیجه اطلاعات غلط بمباردمان شده وعده ای مرد و زن و کودک بیگناه به شهادت رسیده اند. در نتیجه تحقیق معلوم میشود شخصی که توسط تلفن دستی به امریکائی ها اطلاع داده بود، با فلان خانواده درمحل دشمنی داشته و ازین قبیل . . . ازین جا میتوان به یکی از اهداف تأسیس سیستم مخابراتی پیشرفته و توزیع تلفن های دستی ستلایت درافغانستان پی برد. که به هیچ صورت نه بر اساس ضرورت مردم، بلکه براساس ضرورت های سیاسی - نظامی وتجارتي امپریالیسم امریکا ومتحدینش وتأمین منافع مثنی تاجر دلایل بومی صورت گرفته است.

با طرح پروژه های مواصلاتی وعدم توجه به پروژه های تولید زیر بنایی صنعتی وزراعتی، درقدم اول تاجر دلایل (کمپرادور) به کمک سرمایه خارجی متجاوز (امپریالیسم) میخواهد نیروی کار مزدور ایجاد کند و دهقان را درمضیق کار قرار بدهد تا از بستر کارش که زمین است به کار روز مزدی بکشاند تا بعد با مزدکم از جمیعت ملیونی آن در ساحت پروژه های مطروحه اش بهره برداری کند. ایجاد بازار فروش کالا هم فاکتور سومی است که هدف جهانی شدن سرمایه یا Globalisierung را میسازد.

مسأله ای دیگری که هم اکنون جلب توجه میکند موجودیت موتورهای لوکس آخرین مدل ژاپنی، آلمانی و امریکائی در افغانستان و به ویژه در دسترس ادارات دولتی و NGO ها ومؤسسات کمک رسانی خارجی است که همه از پول

ملت غریب ما تهیه شده است. مجموع قیمت این وسایل لوکس سر به ده‌ها میلیون دلار میزند که عده‌ای از مقامات دولتی و مؤسسات از آن استفاده شخصی میبرند، ولی قرض و سود قرض آنها باید مردم رنجیده‌ی ما بپردازند. مورد دیگری که هم اکنون پیش از وقت به آن دامن زده میشود. ورود بی‌رویه کامپیوتر و ایجاد کورسهای کامپیوتر و زبان انگلیسی به قیمت میلیونها دلار به افغانستان است. وزارت انکشاف دهات افغانستان و برخی NGO ها در روستاهائیکه از ابتدائی ترین امکانات و وسایل زندگی محروم اند، برای شان کورسهای کامپیوتر و کورسهای تدریس زبان انگلیسی دایر میکنند. طرح چنین برنامه‌هایی را نمیتوان به جنون مقامات توجیه کرد. آنها آن چه خود میخواهند و منافع ارباب ایجاب میکند، انجام میدهند، و در مساعد ساختن زمینه برای ترویج فرهنگ استعماری مقداری شتاب نشان میدهند. ورنه خوب میدانند که وظیفه اولیه وزارت انکشاف دهات تدویر کورس کامپیوتر و یاکورس انگلیسی در روستا نیست. این وزارت باید در روستاها به تأمین ضروریات اولیه مردم بپردازد. با مصرف پولهای کمی در زمینه‌های مناسب زمینه کسب و کار را در روستا به مردم مساعد بسازد تا مردم روستا را از بیکاری و گرسنگی ترک نکنند. آب آشامیدنی و برق تهیه کند، کورسهای سواد آموزی به زبان مادری مردم دایر کند، برای مکاتب ساختمان تهیه کند، تا روستاها انکشاف پیدا کند و اسم وزارت با مسما شود.

از این مطالب چنین نتیجه نشود که نگارنده مخالف ساختن سړک راه و یا داشتن تلفن و یا کامپیوتر هستم، به هیچ صورت چنین نیست. ما به همه چیز ضرورت داریم؛ ولی ضرورت‌های ما باید تشخیص و سره پایه شود و مشخص گردد که ضرورت اولیه چیست؟ کسیکه کفش و لباس ندارد نکثائی و یا کروات را چه کند؟ آنچنانکه آقای وزیر پلان گفتند وقتی مردم به خاطر نداشتن لقمه‌ای نان بخورونمیر و نبود امکانات کارو تولید، به ترک منطقه مجبور شوند. آنها سړک و تلفن را چه کنند؟ اول باید به مردم ضرورت‌های اولیه را تهیه کرد. وقتی ۸۰ درصد مردم در روستاها زندگی میکنند، در آنجا باید زمینه کثت و کار برای شان فراهم شود، منبع آبی تهیه شود، زمین بایر قابل کثت شده و به مردم بیچاره بی زمین داده شود که روی آن کار کنند و از کار خود شکم گرسنه زن و بچه خود را سیر کنند. وقتی نان و آبش تأمین شد، آنگاه برق، کلنیک، سړک اسفالتی، مکتب، تلفن، تلویزیون، کامپیوتر و غیره نیز شامل خواسته‌ها و ضرورت‌ها میشود و انسان زحمتکش افغانستان حق دارد از تمام دستاوردهای بشریت برای رفاه خود بهره بگیرد. باید بگیرد.

به يك مثال توجه كنيد. دركشوری كه مليونها انسان آن نمیتوانند شب باشكم سیربخابند، سرپناه ندارند و از نعمات اولیه زندگی محروم اند، قرض مملكت سربفلك كشيده است. در همچو كشوری حدود يك مليون تلفن دستی توسط كمپنی های سرمایه داری بفروش رسیده، هر تلفن با ضما یمش برای فعال شدن بطور متوسط ۱۶۵ دلار تمام میشود. به این ترتیب از جیب چنین ملتی در چنین وضع و خیمی ۱۶۵ میلیون دلار به بهای تلفن دستی كشيده شد. این تلفن دستی ها به طور متوسط كه حساب شده هر كدام روزانه ۵ دلار فقط كارت مصرف میکند، یعنی روزانه پنج مليون دلار و ماهی ۱۵۰ میلیون دلار فقط مصرف كارت تلفن میشود كه هیچ گونه درآمدی برای مردم ندارد. فكرش را بكیند! سالانه يك ملیارد و هشتصد مليون دلار پول این مملكت ویران، گرسنه و قرضدار به جیب كمپنی های تولید كنده كارت تلفن میرود و از مملكت خارج میشود. حال موارد دیگری را در نظر بگیرید كه هیچ گونه نفعی به بار نمی آورد و فقط مصارف كمرشكن و توانفرسائی را بردوش ناتوان مملكت تحمیل میکند. تحمیل چنین پروژه هائی دركشوری مثل افغانستان كه مشكل نان، آب و سرپناه در آن بیداد میکند، جز استعمار و ستمگری و چپاول چه معنائی دارد؟ حال اگر درپهلوی ارباب قدرت عده ای خورده بورژوازی نوبه دوران رسیده نیز از این تكنيك بهره میبرند، این به معنای رسیدگی به ملك ویران و مردم دربردر آن نیست، مليونها انسان فقیر و محتاج ما هیچگونه دسترسی نمیتوانند به موبایل یا تلفن دستی داشته باشند. واقعیت همان غارت و چپاول است كه زیر نام تكنيك و تمدن و بازسازی صورت میگيرد.

در ارقام و ارداتی، موادغذائی رَقم برجسته ای رابه خود اختصاص داده است. مقداری از این مواد در شرایط کنونی لازم است که وارد شود. ولی چیز جالبی که به نظر میرسد و کشتکاران مانیز متوجه این امر شده اند که این بحث نگارنده نیز ملهم از صحبت آنها است، اینست که از امریکا مقدار زیادی گندم در رقابت به تولید داخلی در افغانستان وارد میشود. گندم امریکائی را به نرخ پائین عرضه میکنند، کشتکار افغان که در تهیه وسایل و امکانات کثت مانند ابزارکار، تخم بزر، کودکیمیای و حتی تهیه آب از چاه به مصرف تیل و واتر پمپ، به دلیل بلند بودن نرخ این مواد که اکثراً وارداتی است، باید پول زیادی بپردازد، نمیتواند به رقابت برخیزد. چون مصرف گندم به دست آمده او بالاتر از نرخ فروش گندم امریکائی میشود. اینجاست که کشتگر نمیتواند به کثت و کارش ادامه بدهد. دو انتخاب برایش میماند. یا زمینش را ترک کرده به شهرها برای جستجوی کارو به دست آوردن لقمه‌ای بخورونمیر آواره میشود، که در آنجا نیز بنابر تراکم نیروی کارو کمبود زمینه کار بردامنه بیکاری، شغل های کاذب، دزدی، جنایت و غیره افزوده میشود، و چه بسا که گروههای تروریست در بدل پرداخت پول عده ای از آنها را به خدمت بگمارند. و یا در صورت زدوبند با قومندان و ولسوال و غیره زمینش را تریاك میکارند که از درآمد آن هم به اصطلاح خود مردم “از گاو غودش” به کشتگر نمیرسد، فایده اش به جیب مقامات قدرت و مافیای مواد مخدر که در زد و بند با حاکمیت است، میرود.

ادامه دارد